



نکته حائز اهمیت، خودآگاهی نقش‌های منفی نسبت به اقدامات‌شان و پیش‌آگاهی از سرنوشت‌شان است که معلوم می‌کند آنها عامدانه و عاملانه در مسیر منفی بودن قرار گرفته‌اند. این آگاهی فرامتنی میراثی است که از تعزیه و نمایش‌های کهن به نمایش‌های امروزی راه یافته است

در باب اهمیت و ستایش شخصیت‌های منفی سریال‌های تاریخی - مذهبی

نقش‌ها هستند و ما بازیگریم



راه یافته است، مثلاً در سریال امام علی (ع)، عمروعاص (مهدی فتحی) می‌گوید «وقتی نمی‌توانی علی باشی معاویه‌ای و وقتی نمی‌توانی مالک باشی، عمروعاصی.» یا «خوشحالم در روزگاری زندگی کردم که مالک در آن زندگی می‌کرد.»

مساله دیگر این است که دست نویسنده معمولاً در پرداخت شخصیت منفی بازتر است و بنابراین می‌تواند وجوه ملموس‌تری از او را به تصویر بکشد، ولی نمی‌تواند از شخصیت‌های مثبت، ابرقهرمان ملموسی که در سینمای غرب متداول است مانند مرد عنکبوتی، سوپرمن و... تصویر کند. نویسنده حتی نمی‌تواند کارهای ملموس و روزمره و عادی شخصیت‌های مثبت را هم چندان نشان بدهد چون اولویت و خاص بودنش در اذهان مخاطبان، خدشه‌دار می‌شود.



بدبازی کن

همه اینها نکاتی درباره ماندگاری نقش‌های منفی بوده و همین ویژگی هاست که بازیگران را به بازی در چنین نقش‌هایی مشتاق‌تر می‌کند ضمن این‌که تبعات بازی در نقش‌های منفی گرچه ممکن است با واکنش‌های برخی روبه‌رو شود. البته این واکنش‌ها که از واکنش‌هایی در گذشته می‌شد و شبیه خوانان نقش اشقیا را ضرب و شتم می‌کردند، به مراتب منطقی‌تر است. ولی در نهایت همه مبهوت آن می‌شوند چنانچه همه بازی‌اصلائی در نقش ابن زیاد و مرحوم فتحی در نقش عمروعاص را می‌ستایند. به همین نسبت بازیگران نقش‌های مثبت هم دچار معذوریات اجتماعی هستند و برخی مخاطبان، نه‌تنها انتظار مساعدت آنها دارند، بلکه هیچ خطایی را از آنها بر نمی‌تابند. در نهایت این‌که تا نقش‌های منفی، خوب و درست پرداخت نشوند، نقش‌های مثبت چنانچه باید دیده نمی‌شود تا شر را به خوبی سیاه نشان ندهید، سفیدی خوبی‌ها عیان نخواهد شد.

«بازی در نقش منفی باعث شد بتوانم جزئیات بیشتری را نشان بدهم.» این عبارت را بارها بازیگرانی که نقش‌های منفی بازی کرده‌اند در مصاحبه‌هایشان گفته‌اند. اما علت این ماجرا چیست؟ چرا بازی در نقش‌های منفی به خصوص در فیلم‌ها و سریال‌های ما ماندگارترند؟ چرا از نقش‌های به‌روز مثل محمود شوکت (حسن پورشیرازی) در سریال نرگس یا حشمت فردوس (داریوش ارجمند) در سریال ستایش تا نقش‌های تاریخی مثل ابن زیاد (فرهاد اصلانی) در سریال مختارنامه یا عمروعاص (مهدی فتحی) در سریال امام علی (ع) در ذهن‌ها ثبت شده است؟ حتی در نمایش‌هایی مانند تعزیه هم وقتی اشقیا مانند شمرخوان و... وارد صحنه می‌شوند تماشاگران با دقت بیشتری ماجرا را دنبال می‌کنند؟

سعیده نیک‌اختر
روزنامه‌نگار

خوش‌رنگ و خوش‌ریتم



می‌توان چند علت را برای جذابیت نقش منفی بیان کرد. یکی از علت‌ها، وضعیت ظاهری این نقش‌هاست، در فیلم‌ها و سریال‌های تاریخ اسلام، نقش‌های منفی لباس‌های قرمز و رنگارنگ به تن می‌کنند. زره و لباس رزم می‌پوشند و بر اسب می‌تازند. علاوه بر پوشش، حضور آنها عموماً در دکورهای پر زرق و برق است.

آنها در فضاهایی مانند قصرها حاضرند. علاوه بر این دو، موسیقی هم در زمان حضور نقش‌های منفی، ریتم می‌گیرد که از این نظر، شباهت زیادی به فضای تعزیه دارد. دیالوگ‌گویی نقش‌های منفی هم پرخاشگرانه و تهاجمی است که در شبیه‌خوانی به رجزخوانی و اشتلم‌خوانی شهره است. علت دیگر را می‌توان جذابیت نقش‌های منفی، تنوع در رفتار و حرکات دانست. انگار که داستان بازیگران نقش منفی در بازی بازتر از بازیگران نقش‌های مثبت است. آنها راحت‌تر می‌توانند روی صدا، دیالوگ و حرکت خود مانور بدهند. کاری که بازیگران نقش‌های مثبت به‌واسطه الهی بودن و جایگاه خاصی که در ذهن مخاطب دارند، کمتر امکان آن را دارند و قدرت مانور کمتری دارند.

در برابر خوبان

حتی در فیلم‌ها و سریال‌هایی که مربوط به پیامبر و امامان است، نمی‌توان نمایشی از شخصیت آنها داشت.

اوج این ماجرا را در صحنه رویارویی مامون و امام رضا (ع) در سریال ولایت عشق دیدیم جایی که عملاً بار همه اکشن و ری‌اکشن‌ها بر دوش محمد صادقی (مامون) بود چون صورت بازیگر نقش امام رضا (ع) (فرخ نعمتی) در هاله نور بود. این عدم امکان نمایش تصویری از پیامبر و ائمه که محدود با سازندگان داخلی هم نمی‌شود. شخصیت‌های مثبت اطراف آنها را بعضاً صرفاً تبدیل به سخنگوی بزرگان می‌کند مثلاً در فیلم الرساله مصطفی عقاد، زید عملاً سخنان پیامبر است و در سریال امام علی (ع) این نقش را عمار یاسر (سعید نیکپور) و مالک اشتر (داریوش ارجمند) به عهده دارند.

نکته دیگر این‌که هر چقدر اقدامات نقش منفی، رذیلانه‌تر و البته این بد بودن، منطقی‌تر باشد، نقش مثبت به‌واسطه کنتراست ایجاد شده، مظلوم‌تر دیده می‌شود.



بدهای نامیرا

نکته حائز اهمیت دیگر، خودآگاهی نقش‌های منفی نسبت به اقدامات‌شان و پیش‌آگاهی از سرنوشت‌شان است که معلوم می‌کند آنها عامدانه و عاملانه در مسیر منفی بودن قرار گرفته‌اند. این آگاهی فرامتنی میراثی است که از تعزیه و نمایش‌های کهن به نمایش‌های امروزی